

## Elder Neglect: A Comparative Study of Criminal Sanctions in Iran and the United States

 **Mahdi Saboori Pour**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
Email: m\_sabooripour@sbu.ac.ir

 **Parisa Kamali**

Master's Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Email: parisaykamaly@gmail.com



### Abstract

Elder neglect, a form of elder abuse characterized by omission, results in irreparable physical and psychological harm to this vulnerable age group.

One approach to address this phenomenon is the imposition of criminal sanctions for neglecting the duty of care toward the elderly, a strategy adopted in certain countries, including the United States. In modern criminal policy, elder abuse is recognized as a crime, and the criminal justice system acts as a key player in responding to this issue.

This study examines how various forms of elder neglect have been criminalized and subjected to sanctions under the substantive criminal laws of the United States and Iran.

**Journal of Research and  
Development in Criminal Law and  
Criminology**

Iranian Law and Legal Research  
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and  
Winter 2025  
(Original Article)

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:  
[10.22034/jclc.2025.2049474.1137](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049474.1137)

The findings of this comparative study indicate that the U.S. states examined have provided comprehensive protection for the elderly against caregivers' omissions through the differential criminalization of elder neglect and failure to report it, a broad definition of the actus reus and mens rea of these crimes, and simultaneous attention to the physical and psychological harms caused by neglect. Additionally, by stipulating exceptions and defenses against such charges, they have avoided excessive stringency toward caregivers. A comparison of this differentiated supportive system with the general crimes in Iranian law—including the crime of failure to pay maintenance, inflicting bodily harm by omission, abandonment of individuals requiring care, and failure to assist injured persons—reveals disproportionate leniency or severity in certain instances and the exclusion of some forms of neglect. To achieve appropriate criminal protection for the elderly, it is beneficial and essential to consider the legislative advancements of other countries, such as the United States, which have implemented comprehensive protections against various forms of elder abuse.

**Keywords :** Neglect, Abandonment, Elderly, Elder Abuse, Omission, Iran, United States.



## سالمندآزاری از طریق غفلت: مطالعه تطبیقی ضمانت اجراهای کیفری در ایران و آمریکا

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه  
شهیدبهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
m\_sabooripour@sbu.ac.ir

مهدی صبوری پور 

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده  
حقوق، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران  
parisaykamaly@gmail.com

پریسا کمالی 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
(مقاله پژوهشی)

www.jclg.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclg.2025.2049474.1137

### چکیده

غفلت از سالمندان گونه‌ای سالمندآزاری مبتنی بر ترک فعل است که آثار سوء جسمی و روانی جبران‌ناپذیری برای این گروه سنی آسیب‌پذیر به همراه دارد. یکی از راهکارهای مقابله با این پدیده، پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای ترک وظیفه مراقبت از سالمندان است که در برخی کشورها، از جمله آمریکا، مورد توجه قرار گرفته است. در سیاست جنایی مدرن، سالمندآزاری به عنوان یک جرم تلقی می‌شود. بر این اساس، نظام عدالت کیفری نیز به عنوان یک کنشگر محوری در واکنش به پدیده سالمندآزاری ایفای نقش می‌کند. نوشتار پیش‌رو به بررسی این موضوع می‌پردازد که مصادیق مختلف غفلت از سالمندان در قوانین کیفری ماهوی آمریکا و ایران چگونه جرم‌انگاری شده و مورد ضمانت اجرای کیفری قرار گرفته‌اند.

یافته‌های این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که ایالت‌های مورد تحقیق در آمریکا، با جرم‌انگاری افتراقی غفلت از سالمندان و عدم گزارش‌دهی آن، تعریف گسترده عنصر مادی و روانی این جرائم و توجه توأمان به آسیب‌های فیزیکی و روانی ناشی از غفلت، حمایت جمعی از سالمندان در برابر ترک فعل مراقبان به عمل آورده‌اند. هم‌چنین، با پیش‌بینی استثنائات و دفاعیاتی در برابر این اتهامات، از سخت‌گیری بیش‌ازاندازه نسبت به مراقبان اجتناب کرده‌اند. مقایسه این نظام حمایتی افتراقی با جرائم عام ایران، از جمله جرم ترک انفاق، جنایات ناشی از ترک فعل، رهاسازی اشخاص نیازمند مراقبت و خودداری از کمک به مصدومین نشان از سخت‌گیری یا سهل‌گیری نامتناسب قانون ایران در برخی موارد و عدم شمول برخی از مصادیق غفلت دارد. به‌منظور حمایت کیفری مطلوب از سالمندان، توجه به دستاوردهای تقنینی سایر کشورها از جمله آمریکا که حمایت جمعی از سالمندان در برابر انواع سوءرفتار به عمل آورده‌اند، مفید و ضروری است .

**کلیدواژه‌ها:** غفلت، رهاسازی، سالمندان، سالمندآزاری، ترک فعل، ایران، واشنگتن.

## مقدمه

به دنبال افزایش سن امید به زندگی، نسبت جمعیت سالمندان در جهان امروز بیشتر از هر زمان دیگری در گذشته است و با شتابی بیشتر از سایر گروه‌های جمعیتی نیز افزایش خواهد یافت (Blowers, 2015: p.1). بنا بر مطالعات آماری سازمان ملل متحد، نسبت افراد دارای سن ۶۵ سال و بالاتر در جهان از ۹/۳ درصد در سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۶ درصد (۲/۱ میلیارد نفر) در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (UN, 2020). ایران نیز از جمله کشورهای واجد بالاترین شیب و شتاب افزایش جمعیت سالمند در جهان است (سند ملی سالمندان کشور، ۱۳۹۹، ص ۴۰). بر اساس سرشماری‌های نفوس و مسکن، در سال ۱۳۳۵ گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر تنها ۴ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داد. این رقم پس از طی روندی صعودی، در سال ۱۳۹۵ به ۶/۱ درصد رسید و انتظار می‌رود در سال ۱۴۳۰، به ۱۹ درصد افزایش یابد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

با افزایش جمعیت سالمندان، احتمال بزه‌دیدگی این گروه سنی آسیب‌پذیر نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های یک پژوهش درمورد میزان شیوع سالمندآزاری در جهان (Yon et al., 2017) نشان می‌دهد که به طور میانگین از هر شش سالمند یک نفر (۱۵/۷ درصد) در فاصله یک سال گذشته، نوعی از آزار را تجربه کرده است.<sup>۱</sup> در ایران نیز یک مطالعه مروری

<sup>۱</sup> در این مطالعه آماری، نرخ سالمندآزاری در موسسات نگهداری از سالمندان محاسبه نشده است. بر اساس پژوهش دیگری از همین نویسندگان که متمرکز بر سوءرفتار با سالمندان در مؤسساتی مانند خانه‌های سالمندان، مراکز مراقبت طولانی‌مدت و بیمارستان‌ها است، ۲ نفر از هر ۳ نفر پرسنل این مراکز (۶۴/۴ درصد) گزارش کرده‌اند که در سال گذشته مرتکب سوءرفتار شده‌اند.

آمارهای مربوط به شیوع سالمندآزاری در میان سالمندان دارای وضعیت خاص که به تبع آن وضعیت، وابستگی بیشتری به دیگران دارند، نیز بالاتر است. این گروه شامل سالمندانی می‌شود که از نقص شناختی، ناتوانی عملکردی، اختلال روانی، ضعف در سلامت جسمانی یا مشکلات رفتاری رنج می‌برند. همچنین، سالمندانی که از نظر اجتماعی منزوی هستند (Stodolska et al., 2024: p.903). برای مثال، یافته‌های این پژوهش (Wiglesworth et al., 2010) نشان می‌دهد که تقریباً ۵۰ درصد از سالمندان دارای زوال عقل (dementia) نوعی از سوءرفتار را تجربه کرده‌اند. این پژوهش (Akagunduz et al., 2021) نیز خطر آزار در میان سالمندان مبتلا به سرطان را ۳۹/۲ درصد برآورد کرده است. همچنین، بنا بر یک مطالعه آماری (Pampolim & Leite, 2022: p.10)، در فهرست ۲۰۲۰ غفلت از سالمندان ۸۰ ساله و بالاتر تقریباً ۵ برابر بیش از سالمندان ۶۰-۶۹ ساله است.

نظام‌مند (مولایی و دیگران، ۱۳۹۶) شیوع کلی سالمندآزاری را ۵۶/۴ درصد برآورد کرده است. آمارهای نگران‌کننده مربوط به شیوع سالمندآزاری باید با در نظر گرفتن این واقعیت تحلیل شوند که پژوهش‌های مرتبط با این موضوع همواره مبتنی بر داده‌های ناقص هستند و تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کنند. به طوری که برخی پژوهش‌ها (Storey, 2020) نشان می‌دهد از هر ۲۴ مورد سالمندآزاری که اتفاق می‌افتد، تنها یک مورد گزارش می‌شود. سالمندآزاری در نیم قرن گذشته و در پی شکل‌گیری نوعی احساس مسئولیت جمعی در مقابله با کودک‌آزاری و خشونت خانگی، به عنوان یک پدیده مستقل و مهم تلقی شد. اما در ابتدای توجه به این مفهوم، سوءرفتار با سالمندان بیش از آن که نوعی جرم پنداشته شود، به عنوان یک مسئله اجتماعی و گاه پزشکی مورد توجه قرار می‌گرفت. به این ترتیب، سالمندآزاری به‌ندرت به کارگزاران نظام عدالت کیفری ارجاع داده می‌شد و متقابلاً آنها نیز سوءرفتار با سالمندان را یک مسئله مهم تلقی نمی‌کردند. افزون بر این، فاقد مهارت و تجربه کافی در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به آزار سالمندان بودند (Dion et al., 2020: p.28). در این زمان در مطالعات مربوط به سالمندآزاری این تصور غلبه داشت که سوءرفتار با سالمندان در نتیجه بی‌توجهی مراقب و فشار ناشی از دشواری مراقبت از یک سالمند ناتوان رخ می‌دهد. به این ترتیب، اقدامات حمایتی در ابتدا بعد اجتماعی (مانند ایجاد مراکز مراقبتی) و حقوقی (مانند تأسیس نهاد قیمومت) داشتند. با وجود این، سوءرفتار نسبت به سالمندان همچنان و از جمله در بستر چنین حمایت‌هایی ادامه پیدا کرد. پژوهش‌های بعدی در مقابل، بر وجوه تشابه اشخاص آزارگر با سایر مجرمان تمرکز کردند و به این نتیجه رسیدند که مرتکبان سالمندآزاری نیز مانند سایر بزهکاران به واسطه طمع، منفعت شخصی، خودتوجیهی، تمایل به اعمال قدرت و تحت تأثیر فرصت مرتکب جرم شده و در یک فرایند عقلانی، اشخاص آسیب‌پذیر را هدف قرار می‌دهند (Heisler

---

سند ملی سالمندان کشور نیز با در نظر داشتن این واقعیت، پس از پیش‌بینی حمایت‌های کلی، گروهی از سالمندان را تحت عنوان «سالمندان آسیب‌پذیر» به دلیل برخورداری از شرایط خاص و اضطراری، نیازمند توجه مضاعف دانسته است. سالمندان آسیب‌پذیر بر اساس این سند، شامل ۹ گروه سالمندان کهنسال، فقیر، تنها (طردشده)، غیرمتاهل، ساکن در خانه سالمندان، دارای ناتوانی، حاشیه‌نشین، روستایی بر جای مانده و زنان سالمند سرپرست خانوار هستند (ص. ۴۰).

53: p.2000). متأثر از این رویکرد، در اوایل دهه ۱۹۹۰ در آمریکا، سیاست‌گذاران جنایی به این باور رسیدند که به‌ویژه در پرونده‌های مهم، نظام عدالت کیفری می‌تواند نقش مهمی در توقف سوءرفتار، حمایت از بزه‌دیدگان و مسئول شناختن بزهکاران ایفا کند. به این ترتیب، پس از پیش‌بینی حمایت‌های کلی و اقداماتی متمرکز بر پیشگیری از سالمندآزاری در قوانین فدرال به‌ویژه در رابطه با تخصیص بودجه به کنشگران خدمات اجتماعی و مراقبت از سالمندان، هر یک از ایالت‌ها در قوانین کیفری خود حمایت ویژه‌ای از بزه‌دیدگان سالمند به عمل آوردند. این سیاست جنایی افتراقی از حیث ماهوی در قالب جرم‌انگاری مصادیق مختلف سالمندآزاری و یا تشدید مجازات مرتکبان جرائم علیه سالمندان نمود پیدا کرد.

قوانین آمریکا، اعم از فدرال و ایالتی، سالمندآزاری را تعریف کرده و به بیان مصادیق آن پرداخته‌اند. در مقدمه، با چشم‌پوشی از جزئیات متفاوت این تعاریف می‌توان سالمندآزاری را به معنای (۱) فعل عمدی مراقب یا هر شخص مورد اعتماد که به آسیب سالمند منجر شده یا او را در معرض خطر جدی آسیب قرار می‌دهد (صرف‌نظر از اینکه مرتکب قصد آسیب داشته یا نداشته باشد)؛ یا (۲) ترک فعل مراقب در تأمین نیازهای اساسی سالمند یا مراقبت از او در برابر آسیب دانست (National Research Council, 2003: p.40). گونه اول سالمندآزاری، مبتنی بر فعل بوده و شامل آزار روانی، جسمی، مالی و جنسی است. گونه دوم نیز که مبتنی بر ترک فعل است، «غفلت» نامیده می‌شود.

سالمندان به دلیل ناتوانی ناشی از سن، برای انجام فعالیت‌های زندگی روزمره خود به دیگران وابسته‌اند. آمارها نشان می‌دهد که نیمی از افراد ۶۵ ساله و بالاتر در انجام حداقل یکی از امور مربوط به مراقبت شخصی و فعالیت‌های خانه با دشواری رو به رو هستند (Euroestat, 2022). بنابراین، غفلت از آن‌ها می‌تواند آسیب‌های جسمی و روانی جدی و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. یافته‌های این پژوهش (Payne et al., 2011: p.459) نشان می‌دهد که یک‌چهارم پرونده‌های غفلت به مرگ بزه‌دیده و یک‌چهارم دیگر به آسیب شدید منجر شده‌اند. پیامدهای روانی غفلت نیز شامل تغییر در ادراک از خویشتن، خشم، افسردگی، اغتشاش ذهنی، نقص حافظه، اضطراب، اختلال خواب، افکار خودکشی

گرایانه، خودغفلتی و کاهش عزت نفس است (Strasser & Flumer, 2007: p.343). این احتمالات در کنار طرد اجتماعی افراد مسن، آنها را در جایگاه «بزه‌دیدگان خاموش غفلت» قرار می‌دهد.

غفلت یکی از شایع‌ترین مصادیق سالمندآزاری است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹ یک پیمایش تلفنی در آمریکا از افراد ۶۰ ساله و بالاتر که ساکن مراکز نگهداری نبودند، نشان داد که در سال گذشته، ۱۱/۷٪ سوءاستفاده مالی، ۵/۱٪ غفلت، ۴/۶٪ سوءرفتار روانی، ۱/۶٪ آزار جسمی و ۰/۶٪ سوءاستفاده جنسی را تجربه کرده‌اند. در این پیمایش، غفلت این‌گونه تعریف می‌شود: موقعیت‌هایی که در آن‌ها، فرد سالمند یک نیاز اساسی مشخص را شناسایی می‌کند که برآورده نشده است (Acierno, 2009). در مراکز نگهداری کوتاه مدت و بلندمدت نیز، تا دو سوم پرونده‌های سوءرفتار با سالمندان شکلی از غفلت را در بر می‌گیرد (Flumer et al., 2005). در خصوص کارکنان مراکز نگهداری از سالمندان، غفلت در قالب رفتارهایی مانند نقض حریم خصوصی بیمار، فراهم نکردن نیازهای اولیه سالمند مطابق هرم نیازهای مازلو، ارائه مراقبت پزشکی ناکافی، بی‌توجهی به شکایات بیمار، ایجاد محیط نامناسب، عدم توجه به بهداشت شخصی سالمند، حرکت ندادن بیمار به اندازه کافی که ممکن است منجر به ایجاد زخم بستر شود، تغذیه ناکافی، تشخیص پزشکی نادرست، بی‌توجهی به تغییراتی که طی فرایند درمان در بیمار رخ می‌دهد و بی‌دقتی پزشکی ارتکاب می‌یابد (Winterstein, 2012: p.58).

غفلت بر اساس ماهیت تأثیری که بر سالمند می‌گذارد، به دو نوع فیزیکی و روانی قابل تقسیم است. غفلت فیزیکی به معنای عدم انجام وظایف توافق‌شده نسبت به شخص سالمند است؛ مانند فراهم نکردن خوراک، پوشاک، سرپناه، دارو، بهداشت، راحتی و امنیت سالمند. به این ترتیب، این نوع غفلت در قالب سوءتغذیه، بهداشت فردی نامناسب، گرمایش ناکافی محیط زندگی، نداشتن عینک، سمعک و دندان مصنوعی (در صورت نیاز) و لباس‌ها و ملحفه‌های آلوده نمود پیدا می‌کند (Strasser & Flumer, 2007: p.342). غفلت روانی به معنای نادیده گرفتن نیازهای روانی سالمند مانند امنیت، ارتباط با دیگران، حمایت اجتماعی و عاطفی، تحریک شناختی و احترام است. این‌گونه از غفلت، ترک

فعل‌هایی را در برمی‌گیرد که به سالمند احساس بی‌ارزشی، مقصر بودن، طردشدگی، شرمساری و ناامنی القا می‌کنند؛ مانند رها کردن سالمند برای یک دوره طولانی بدون ارتباط با دیگران، قطع ارتباط کلامی با سالمند، عدم توجه به ترجیحات، تمایلات و نظرات سالمند هنگام تصمیم‌گیری و نادیده گرفتن علائم ضعف شناختی یا رنجش روانی در سالمند (مانند فراموشی‌های مکرر، اضطراب و افسردگی).<sup>۱</sup>

غفلت گونه ای از سالمندآزاری است که کمتر مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است (Payne et al., 2012: p.464). با وجود گستردگی وقوع و پیامدهای سوء آن برای سالمندان، برخی پژوهش‌ها حکایت از این دارند که کمترین میزان محکومیت کیفی مربوط به پرونده‌های غفلت است (Dion et al., 2020: p.41). نرخ پایین گزارش‌دهی متأثر از وقوع غفلت در روابط نزدیک و ناتوانی جسمی و شناختی سالمند، دشواری اثبات، تشخیص مصادیق غفلت و تمییز آن از تغییرات بیولوژیک ناشی از کهولت سن و پیچیدگی احراز رابطه سببیت با توجه به ماهیت مبتنی بر ترک فعل غفلت، سبب شده است که این گونه از سالمندآزاری در عمل و در مقایسه با سایر گونه‌ها کمتر مورد حمایت کیفی قرار گیرد. به دنبال این واقعیت، برخی از ایالت‌های آمریکا از تشدید مجازات جرائم علیه سالمندان و جرم‌انگاری سالمندآزاری (که گونه غفلت را نیز در بر می‌گیرد) فراتر رفته و این گونه خاص از سالمندآزاری را مستقلاً جرم‌انگاری کرده‌اند. افزون بر این، با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفی برای عدم گزارش‌دهی غفلت از سالمندان، مانع از بالا رفتن رقم سیاه این جرم

<sup>۱</sup> تعریف غفلت روانی و مثال‌های آن برگرفته از «راهنمای عملی انجمن تخصصی آمریکا در زمینه سوء رفتار با کودکان» است (APSAC Practice Guidelines). در کنار این دو نوع از غفلت، با رویکردی کلان‌نگر می‌توان از گونه سومی تحت عنوان «غفلت اجتماعی» نام برد. بنا بر تعریف سازمان جهانی سلامت، «سلامت» به معنای بهره‌مندی از رفاه کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی است. متناظر با این تعریف، غفلت از سالمندان نیز می‌تواند هر یک از ابعاد سه‌گانه سلامت از جمله سلامت اجتماعی آنها را تهدید کند. غفلت اجتماعی به معنای عدم حمایت اجتماعی، بی‌توجهی به نیازهای خاص سالمندان در سیاست‌گذاری عمومی و وجود نگرش اجتماعی منفی به سالمندی در سطح جامعه است؛ مانند فقدان خدمات پزشکی و درمانی کافی و قابل دسترس، فقدان مراکز فرهنگی، رفاهی و تفریحی مناسب برای سالمندان، بی‌عدالتی و تبعیض سنی (ageism). «سند راهبردی طرح محیط دوستدار سالمند» که یکی از محورهای هشت‌گانه آن، مناسب‌سازی فضاهای عمومی و حمل و نقل به منظور تردد آسان سالمندان است، در جهت مقابله با این نوع از غفلت توسط شورای ملی سالمندان کشور تدوین شده است.

شده‌اند. این در حالی است که در قوانین کیفری ماهوی ایران، هنوز گام نخست برداشته نشده و جز در مواردی خاص، حمایت ویژه‌ای از بزه‌دیدگان سالمند به عمل نیامده است. بنابراین، ضمانت اجرای کیفری جرائم علیه سالمندان را باید ذیل یکی از جرائم عام جست و جو کرد.

هدف این نوشتار مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای کیفری ایران و آمریکا در رابطه با غفلت یا سالمندآزاری مبتنی بر ترک فعل است. در قوانین کیفری همه ایالت‌های آمریکا، سالمندآزاری به اشکال مختلف موضوع ضمانت اجرای کیفری قرار گرفته است. برخی ایالت‌ها مانند کالیفرنیا، فصلی از قانون کیفری خود را به «جرائم علیه سالمندان، بزرگسالان وابسته و افراد دارای معلولیت» اختصاص داده‌اند. این دسته پس از تعریف سالمندآزاری و احصای مصادیق مختلف آن از جمله غفلت، به تعیین ضمانت اجرای کیفری بر حسب شدت نتیجه، اوضاع و شرایط ارتکاب جرم و میزان کهولت سن بزه‌دیده پرداخته‌اند (Cal. Penal Code § 368). بعضی دیگر از ایالت‌ها مانند آلاباما، علاوه بر حمایت کیفری از سایر گروه‌های آسیب‌پذیر مانند اشخاص تحت مراقبت که قابل تسری به سالمندان نیز هست، در یک ماده مجزا «سالمندآزاری و غفلت» را هم جرم‌انگاری کرده‌اند (Ala. Code §§ 13A-6-192 to 194, 38-9-7). در ایالت واشنگتن، مصادیق مختلف سالمندآزاری مبتنی بر فعل (آزار فیزیکی، جنسی، روانی و مالی) به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده‌اند، چرا که این رفتارها اغلب ذیل تعاریف قانونی جرائم عام قرار می‌گیرند. اما فصل مستقلی به سالمندآزاری مبتنی بر ترک فعل (غفلت) اختصاص داده شده است. با توجه به تمرکز این نوشتار بر این گونه از سالمندآزاری، جرائم مرتبط با غفلت از سالمندان در ایالت واشنگتن را به عنوان نمونه بررسی و با جرائم مشابه آن در ایران مقایسه می‌کنیم.

به این منظور، مطالب این نوشتار در دو بند تدوین شده است. در بند نخست، به جرم عام «بدرفتاری کیفری»<sup>۱</sup> پرداخته می‌شود که فصل مستقلی از قانون‌نامه کیفری ایالت واشنگتن را به خود اختصاص داده و دارای چند مصداق است که مستقلاً به آنها پرداخته

<sup>۱</sup> Criminal Mistreatment

خواهد شد. در بند دوم نیز مصادیق خاص غفلت نسبت به سالمندان که جداگانه مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱- بدفتاری کیفری با سالمندان

چنان که اشاره شد، بدفتاری کیفری یک عنوان مجرمانه عام است. عنصر مادی جرم بدفتاری کیفری عبارت است از فراهم نکردن نیازهای اساسی زندگی شخص وابسته توسط مراقب. این جرم در صورتی محقق می‌شود که «والدین کودک، شخصی که وظیفه تأمین نیازهای اساسی زندگی یک شخص وابسته یا مراقبت فیزیکی از او را بر عهده گرفته یا شخصی که به این منظور استخدام شده است، با سهل‌انگاری، یکی از نیازهای اساسی کودک یا شخص وابسته را فراهم نکند». به این ترتیب، مرتکب این جرم باید دارای وظیفه مراقبت/اقدام<sup>۱</sup> باشد.

بر اساس قانون فدرال عدالت برای سالمندان نیز، «مراقب<sup>۲</sup>» شخصی است که داوطلبانه، به موجب قرارداد، در ازای دریافت پول یا در نتیجه اعمال قانون (شخصاً یا به نمایندگی از یک نهاد عمومی یا خصوصی) خدمات مراقبتی را به سالمند نیازمند این خدمات در هر محیطی ارائه می‌دهد (Elder Justice Act, 42 U.S.C. § 1397j, 2010). در کامن‌لا، این امر که والدین وظیفه مراقبت از فرزندانشان را بر عهده دارند، از دیرباز پذیرفته شده است؛ اما متقابلاً وظیفه‌ای بر عهده فرزندان بالغ مبنی بر مراقبت و نگهداری از والدین قرار نگرفته است (People v. Heitzman, 9 Cal. 4th 189, 1994). اما در سطح دکترین، تلاش‌هایی در جهت تبیین حقوقی «وظایف فرزندی<sup>۳</sup>» صورت گرفته است. به عنوان مثال، یکی از استدلال‌ها این است که فرزند بالغ به دلیل مراقبت‌هایی که والدین در دوران کودکی از او به عمل آورده‌اند، بر اساس اصل عمل متقابل، متعهد به جبران این خدمات است. برخی دیگر از نظریات نیز ضمن توجه به ماهیت فعلی روابط بین والدین و فرزند، این گونه استدلال می‌کنند که این نوع رابطه دوستانه و نزدیک، انتظارات متقابلی در طرفین ایجاد

<sup>1</sup> duty to care/act

<sup>2</sup> caregiver

<sup>3</sup> filial obligations

می‌کند و این امر خود می‌تواند در فرضی که یکی از طرفین نیازمند مراقبت است؛ نوعی وظیفه اقدام مبتنی بر روابط خاص تلقی شود (Stuifbergen & Van Delden, 2011: pp.63-66). این تلاش‌ها در نهایت، منجر به پیش‌بینی وظیفه حمایت مالی از والدین سالمند نیازمند در قانون مدنی برخی ایالت‌ها شده است. برای مثال، مطابق ماده ۴۴۰۰ قانون خانواده ایالت کالیفرنیا: «فرزند بالغ باید در حد توانایی به پدر و مادر نیازمندش که قادر به تأمین مالی خود از طریق کار کردن نیستند، کمک کند.» با وجود این، برخی دیگر از ایالت‌ها مانند واشنگتن، با تمرکز بر ارائه خدمات حمایتی از طریق نهادهای عمومی و رفاهی به سالمندان، حمایت مالی از والدین را به عنوان یک تکلیف قانونی به فرزندان تحمیل نکرده‌اند. به لحاظ نظری، در ایالت‌هایی که حمایت مالی از والدین را به موجب قانون تکلیف فرزند تلقی کرده‌اند، می‌توان با استناد به این قوانین وظیفه اقدام قانونی را احراز کرد؛ زیرا، منشأ وظیفه اقدام قانونی را نه لزوماً در قوانین کیفری بلکه در سایر قوانین نیز می‌توان جست و جو کرد. به عبارت دیگر، قوانین مدنی نیز می‌توانند مبنایی برای تعیین وظیفه اقدام و انتساب مسئولیت کیفری باشند. با وجود این، در رویه قضایی چنین ایالت‌هایی نیز، صرف رابطه والدین-فرزندی منشأ احراز وظیفه مراقبت تلقی نمی‌شود. در این‌گونه پرونده‌ها که شخص مرتکب غفلت، فرزند بزه‌دیده سالمند است، تلاش می‌شود تا به نحوی (توجه به اقدامات مراقبتی سابق فرزند، بیانات شفاهی او یا سکونت در منزل مشترک) این امر که او مسئولیت مراقبت از سالمند را بر عهده گرفته است، احراز شود. لزوم احراز وظیفه مراقبت در این موارد نشان می‌دهد که صرف فرزند بودن منشأ این وظیفه نیست. مجموعه قوانین تنقیح‌شده ایالت واشنگتن در فصل چهل و دوم از عنوان 9A خود (با عنوان «قانون نامه کیفری ایالت واشنگتن»)<sup>۱</sup> این عنوان مجرمانه عام را مورد توجه قرار داده و در چند بند، مصادیق مختلف آن را جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرده است. در چارچوب این فصل، کودکان و اشخاص وابسته در برابر سوءرفتار مراقبان مورد حمایت قرار گرفته‌اند. مطابق قانون، «شخص وابسته» به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل ناتوانی جسمی یا ذهنی یا سن بسیار بالا، برای فراهم کردن نیازهای اساسی زندگی به شخص

<sup>1</sup> Revised Code of Washington (RCW) 9A.42

دیگری وابسته است (RCW 9A.42.010(5)). قانون‌گذار با تأکید مضاعف، هدف از تدوین این فصل را کاهش موانع تعقیب، افزایش مجازات مرتکبان جرائم علیه سالمندان و اشخاص دارای معلولیت و گسترش حمایت قانونی از اشخاص آسیب‌پذیر بیان کرده است (RCW 9A.42.020, NOTES). به این ترتیب بدون تعیین سن خاصی به عنوان ملاک حمایت قانونی، این افراد به دلیل داشتن جهات آسیب‌پذیری مشترک (ضعف جسمی - روانی و محدودیت‌های ناشی از آن) به نحوی مشابه و در یک بخش مورد حمایت قرار گرفته‌اند. سه فقره از عناوین مجرمانه مندرج در ذیل این فصل، با موضوع این مقاله (سالمندآزاری از طریق غفلت) قرابت بیشتری دارند. از این رو در ادامه، هر یک از این عناوین مجرمانه به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱ - غفلت منجر به آسیب یا بالقوه آسیب‌زا

شدیدترین مصداق جرم بدفتماری کیفری آن است که منتج به آسیب جسمی یا روانی بزه‌دیده گردد و یا حداقل به طور بالقوه، بزه‌دیده را در معرض این گونه آسیب‌ها قرار دهد. این جرم، بر حسب نتیجه حاصل از آن و یا ماهیت خطری که متوجه بزه‌دیده کرده است، در فرازهای بیستم، سی‌ام، سی‌وپنجم و سی‌وهفتم از فصل چهل‌ودوم قانون‌نامه کیفری ایالت واشنگتن مورد توجه قانون‌گذار این ایالت قرار گرفته است. این مصداق از جرم بدفتماری کیفری، بر اساس شدت نتیجه در چهار درجه قرار می‌گیرد. نتیجه این جرم ممکن است ذیل یکی از چهار دسته «آسیب جسمانی»<sup>۱</sup>، «آسیب جسمانی قابل توجه»<sup>۲</sup>، «آسیب جسمانی شدید»<sup>۳</sup> یا «رنجش روانی شدید»<sup>۴</sup> قرار گیرد. «آسیب جسمانی» به معنای درد یا جراحت فیزیکی، بیماری یا اختلال در وضعیت جسمانی است. «آسیب جسمانی قابل توجه» به معنای آسیب بدنی است که منجر به نقص ظاهری موقت اما قابل توجه شود، یا باعث از دست دادن موقت اما قابل توجه عملکرد بخشی از بدن یا یکی از اندام‌ها

<sup>1</sup> bodily harm

<sup>2</sup> substantial bodily harm

<sup>3</sup> great bodily harm

<sup>4</sup> extreme emotional distress

یا شکستگی در هر بخشی از بدن گردد. «آسیب جسمانی شدید» نیز به معنای صدمه‌ای است که احتمال بالای مرگ را به همراه داشته باشد، یا موجب نقص ظاهری جدی و دائمی، از دست دادن یا اختلال دائمی یا طولانی‌مدت عملکرد هر بخش یا اندام بدن گردد (RCW 9A.42.010(3)). ترک فعل مراقب در صورتی که منجر به آسیب جسمانی شدید شود، بدرفتاری کیفری درجه اول محسوب می‌شود. در صورتی که ترک فعل مراقب (۱) تنها «خطر» قریب الوقوع و قابل توجه آسیب جسمانی شدید یا مرگ را ایجاد کند یا (۲) منجر به آسیب جسمانی قابل توجه گردد، بدرفتاری کیفری درجه دوم ارتکاب یافته است. در صورتی که ترک فعل مراقب، منجر به خطر آسیب جسمانی قابل توجه شود، بدرفتاری کیفری درجه سوم تحقق یافته است. در بدرفتاری کیفری درجه چهارم نیز رفتاری مشابه منجر به آسیب جسمانی، خطر وقوع آن یا رنجش روانی شدید می‌شود (RCW 9A.42.020, 030, 035 & 037). شدیدترین نتیجه در جرم بدرفتاری کیفری، آسیب جسمانی شدید است و در صورتی که ترک فعل مراقب منجر به مرگ سالمند شود، قوانین عام مربوط به قتل مجری است.

به این ترتیب، ترک فعل مراقب یا باید منجر به آسیب سالمند شده یا آن که حداقل، خطر وقوع آسیب را ایجاد کند. در رابطه با آسیب وارده به سالمند نیز تأکید بر انواع مختلف آسیب جسمانی است و تنها در بدرفتاری کیفری درجه چهارم، آسیب روانی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، بر خلاف آسیب‌های جسمانی و درجه‌بندی آن‌ها، در قانون تعریفی از رنجش روانی شدید نیامده است. با وجود این می‌توان از تعریفی که در رابطه با شبه‌جرم ایراد عمدی رنجش روانی<sup>۱</sup> در دستورالعمل‌های الگوی هیئت منصفه واشنگتن آمده است، استفاده کرد. بر این اساس، صرف دلخوری، ناراحتی یا شرمساری که معمولاً در تقابل بین دو طرف رخ می‌دهد، برای صدق عنوان رنجش روانی شدید کافی نیست. بلکه رنجش روانی باید به اندازه‌ای شدید باشد که از هیچ انسان متعارفی انتظار نرود که آن را تحمل کند. این رنجش روانی باید در چارچوب شرایط خاص منطقی و موجه باشد، نه اغراق‌آمیز و غیرمعقول؛ مگر اینکه ناشی از حساسیت خاصی در شاکی باشد که متهم از آن آگاه بوده

<sup>1</sup> Tort of Outrage (intentional infliction of emotional distress)

است. برای اثبات رنجش روانی شدید، نشان دادن آسیب جسمانی یا علائم عینی ضروری نیست، گرچه این شواهد نیز می‌توانند مورد استناد قرار بگیرند (WPI 14.03.04 outrage). عنصر روانی جرم بدرفتاری کیفری، سهل‌انگاری است. عمل شخص زمانی با «سهل‌انگاری کیفری»<sup>۱</sup> همراه است که وی نسبت به خطر قابل‌توجهی که ممکن است در اثر عمل نادرست او ایجاد شود، بی‌توجه باشد و این بی‌توجهی انحراف آشکاری از استانداردهای مراقبتی محسوب شود که یک فرد متعارف در شرایط مشابه رعایت می‌کرد (RCW 9A.08.010(d)(1)). عنصر روانی مرتکب در قانون واشنگتن به این ترتیب درجه بندی می‌شود ((RCW 9A.08.010(1)):

- (۱) قصد<sup>۲</sup>: شخص با هدف دستیابی به نتیجه‌ای مجرمانه، مرتکب جرم می‌شود.
  - (۲) علم<sup>۳</sup>: مرتکب از حقایق، شرایط یا نتیجه‌ای که در توصیف رفتار مجرمانه آمده، آگاه است؛ یا اطلاعاتی دارد که یک شخص متعارف در موقعیت مشابه را به این باور می‌رساند که چنین حقایقی وجود دارد.
  - (۳) بی‌پروایی<sup>۴</sup>: شخص از خطر قابل‌توجهی که ممکن است در اثر رفتار نادرستش رخ دهد، آگاه است، اما با بی‌توجهی نسبت به این خطر، مرتکب جرم می‌شود. این بی‌توجهی انحراف فاحش از رفتاری است که یک فرد متعارف در همان شرایط انجام می‌دهد.
  - (۴) سهل‌انگاری: شخص نسبت به خطر قابل‌توجهی که ممکن است در اثر رفتارش به وجود آید، بی‌اطلاع است؛ در حالی که از یک فرد متعارف در همان موقعیت، انتظار می‌رود که نسبت به این خطر آگاه باشد.
- زمانی که در تعریف یک جرم، درجه‌ای از عنصر روانی تصریح می‌شود، بدین معناست که آن درجه و درجات بالاتر مشمول آن ماده قرار می‌گیرند ((RCW 9A.08.010(2)). بنابراین، سهل‌انگاری به عنوان پایین‌ترین درجه از عنصر روانی برای تحقق بدرفتاری کیفری کافی

<sup>1</sup> criminal negligence

<sup>2</sup> intent

<sup>3</sup> knowledge

<sup>4</sup> recklessness

است ولی این جرم می‌تواند با سایر درجات عنصر روانی (قصد، علم یا بی‌پروایی) نیز تحقق یابد. با وجود این، به نظر می‌رسد که هدف قانون‌گذار از وضع این گونه قوانین خاص، پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای مصادیق خفیف‌تر سالمندآزاری بوده که ممکن است خارج از دایره شمول جرائم عام قرار بگیرند.

برخلاف واشنگتن و سایر ایالت‌های آمریکا، در قانون مجازات اسلامی ایران، غفلت از سالمندان به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است؛ بلکه این رفتار در صورت منتهی شدن به آسیب، حسب مورد می‌تواند نوعی «جنایت مادون نفس ناشی از ترک فعل» قلمداد شود. بر اساس ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است. به این ترتیب، سه شرط برای انتساب مسئولیت کیفری جنایت ناشی از ترک فعل به مرتکب لازم است: (۱) وظیفه اقدام قراردادی یا قانونی، (۲) توانایی انجام وظیفه در زمان ترک آن و (۳) وجود رابطه سببیت بین ترک فعل و نتیجه. بنابر شرط اول، مشابه قانون واشنگتن مرتکب باید مراقب سالمند محسوب شود تا مسئولیت عدم مراقبت از سالمند به او قابل انتساب باشد. بر اساس شرط دوم نیز اگر در اثر وقوع عاملی خارج از اراده و آگاهی مرتکب، انجام وظایف ناشی از مراقبت از او سلب شود؛ این ناتوانی از مراقبت قاطع رابطه سببیت است.<sup>۱</sup> این ناتوانی همچنین ممکن است از حیث مالی باشد. در قانون واشنگتن، ناتوانی مالی<sup>۲</sup> به

<sup>۱</sup> مانند این که پرستاری که مسئولیت مراقبت از فرد سالخورده‌ای را برعهده گرفته، در اثر یک اتفاق بدون این که سابقه بیماری داشته باشد، بی‌هوش شود و نتواند سر موعد مقرر داروهای شخص سالخورده را بدهد. اما اگر مراقب سالمند در حالی که توانایی انجام وظایف ناشی از مراقبت را نداشته، ایفای این وظایف را برعهده گرفته یا به هر نحو دیگری مرتکب تقصیر شده باشد، در صورت ورود آسیب به سالمند در برابر ترک فعل خود مسئول است. مانند این که شخص با وجود بیماری صرع، نگهداری از یک شخص سالخورده را قبول کرده و این بیماری را از طرف قرارداد خود پنهان کرده باشد. چنانچه این شخص به علت تشنج از حال برود و نتواند به موقع داروهای شخص سالخورده را بدهد، در صورت ورود آسیب، مسئول جنایت شبه‌عمد است (برهانی و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۳۷۱).

<sup>۲</sup> Defense of Financial Inability

عنوان یکی از دفاعیات قابل طرح در برابر اتهام بدرفتاری کیفری پیش‌بینی شده است. بر این اساس، در فرضی که عدم تأمین نیازهای اساسی زندگی شخص تحت مراقبت به دلیل ناتوانی مالی مراقب باشد، در صورتی می‌توان به این دفاع استناد کرد که متهم تلاش معقول و کافی برای دریافت کمک کرده باشد. در مورد شخصی که برای تأمین نیازهای اساسی زندگی فرد دیگری در ازای دریافت پول استخدام شده است، این دفاع تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که دستمزد توافق‌شده نیز به او پرداخت نشده باشد (RCW 9A.42.050).

جنایت مادون نفس، مقید به نتیجه است. بنابراین حمایت کیفری از سالمندان به موجب این جرم، زمانی آغاز می‌شود که سالمند در اثر غفلت آسیب ببیند. اما در جرم بدرفتاری کیفری واشنگتن چنان که پیش‌تر آمد، از سالمند در معرض خطر آسیب، پیش از اینکه آسیب بالفعل شود هم حمایت شده است.<sup>۱</sup> البته ترک فعل مراقب در برابر سالمند در معرض خطر در حقوق ایران تحت شرایطی ممکن است به عنوان شروع به جرم قتل قابل تعقیب باشد. به این ترتیب که مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مراقب با قصد قتل سالمند نیازمند مراقبت، وظایف ناشی از مراقبت را انجام ندهد و به سبب آن، سالمند در معرض خطر آسیب قرار بگیرد؛ اما به واسطه عاملی خارج از اراده مرتکب این آسیب بالفعل نشود. در حقوق کیفری واشنگتن نیز هرکس با قصد ارتکاب جرمی خاص، رفتاری انجام دهد که گامی جدی و مؤثر در جهت ارتکاب آن جرم باشد، به «شروع به ارتکاب آن جرم»

<sup>۱</sup> به عنوان مثال، در پرونده Mary Jewel Green، بی‌توجهی مراقب به رعایت رژیم غذایی خاصی که به دلیل شرایط جسمانی سالمند لازم بود، به این جهت که سلامتی او را در معرض خطر قرار می‌داد، مصداق غفلت شناخته شد. این مورد البته یک پرونده حقوقی بود که در نهایت به صدور قرار مراقبت مدنی (civil protective order) از سالمند براساس قانون حمایت از بزرگسالان آسیب‌پذیر واشنگتن (RCW 74.34) منتهی شد. تعریف غفلت در این قانون مشابه جرم بدرفتاری کیفری است. در دعوای کیفری State v. Morgan نیز که مراقب ادعای ایراد آسیب جسمانی به سالمند را نمی‌پذیرفت (با این استدلال که وضعیت جسمانی سالمند پیش از این که به او سپرده شود، وخیم بوده است) قاضی با تأکید بر اینکه عدم ایفای وظایف مراقبت توسط مراقب دست‌کم در کاهش کیفیت روزهای باقی‌مانده از عمر او تأثیرگذار بوده و وضعیت از پیش وخیم سلامتی او را بدتر کرده است، رفتار مرتکب را بدرفتاری کیفری تشخیص داد.

محکوم می‌شود.<sup>۱</sup> با وجود این، قانون‌گذار واشنگتن با جرم‌انگاری بدرفتاری کیفری طیف وسیع‌تری از مصادیق در معرض خطر قرارگرفتن سالمندان را واجد وصف کیفری کرده و به ابهامات مربوط به پذیرش شروع به جرم ناشی از ترک فعل و دشواری احراز عنصر روانی قصد که لازمه آن است، پایان داده است. بدرفتاری کیفری از جهت عنصر مادی عامتر است تا جایی که حتی درجه چهارم آن، هر ترک فعلی که سبب شود سالمند در معرض خطر درد یا بیماری قرار بگیرد را نیز شامل می‌شود. از حیث عنصر روانی نیز در جرم بدرفتاری کیفری، پایین‌ترین درجه از عنصر روانی کفایت می‌کند.

مصادیق مختلف غفلت روانی در قانون ایران در صورتی واجد وصف کیفری هستند که منجر به زوال یا نقصان حافظه، جنون یا اختلال روانی سالمند شوند (مواد ۶۷۵ تا ۶۷۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲). اما «رنجش» روانی شدید در قانون واشنگتن که ملاک تشخیص آن عرفی است، مفهومی عام‌تر از «اختلال» روانی دارد که احراز آن نیازمند معیارهای پزشکی است. در ایالت واشنگتن، ایراد آسیب روانی به سالمند در اثر غفلت، مقید به تحقق این آسیب و آن هم به نحوی شدید است. در حالی که در بعضی دیگر از ایالت‌های آمریکا حمایت از سلامت روان سالمندان به نحو موسعتری نیز پیش‌بینی شده است. به عنوان نمونه، در قانون کیفری ایالت کالیفرنیا، قرار دادن سالمند در معرض خطر آسیب روانی نیز دارای ضمانت اجرای کیفری است (Cal. Penal Code § 368(b)).

<sup>۱</sup> افزون بر این، دامنه شروع به جرم در ایالت واشنگتن عامتر از ایران است. در ایران، شروع به جنایت مادون نفس از نظر برخی دکتین (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ص. ۱۰۳) مصداق ندارد چرا که در بندهای ماده ۱۲۲ ق.م.ا. مورد اشاره قرار نگرفته است. قطع عضو مندرج در بند (ب) نیز ناظر به مجازات‌های حدی است. در فرض پذیرش تسری بند (ب) به جنایات عمدی موجب قصاص (قطع عضو) بنا بر نظر برخی دیگر (آقایی نیا، ۱۳۹۹: ص. ۳۵۳) با توجه به بند الف ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که مجازات حبس موضوع ماده ۶۱۴ به حبس درجه شش تقلیل داده شده است و با توجه به ماده ۱۲۲ که شروع به جرم از درجه شش به بعد قابل مجازات نیست، شروع به جنایت عمدی بر عضو که مجازات قانونی آن قصاص نباشد، قابل مجازات نخواهد بود. اما در ایالت واشنگتن، در مورد شروع به جرائم منتهی به آسیب جسمانی مانند تهاجم (assault) محدودیت‌های پیش‌بینی نشده و مجازات آنها نیز یک درجه خفیف‌تر از مصداق تأمّشان تعیین می‌شود (RCW 9A.28.020). به این ترتیب، شروع به جرم بدرفتاری کیفری نیز در صورتی که مرتکب از حیث عنصر روانی دارای قصد ارتکاب این جرم باشد، قابل مجازات است.

در حقوق ایران عنصر روانی جرائم از جمله جنایات مادون نفس در سه دسته قصد، علم و تقصیر درجه بندی می‌شود. قصد نتیجه و علم به وقوع آن که لازمه تحقق جرائم عمدی است، دارای معنایی مشابه با درجه‌بندی چهارگانه عنصر روانی حقوق کامن‌لا از جمله ایالت واشنگتن است. اما تقصیر به عنوان عنصر روانی جرائم غیرعمدی، در حقوق ایران درجه بندی نشده است. اگرچه ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در جهت احصای مصادیق تقصیر عناوین مختلفی همچون بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، مسامحه، غفلت و عدم مهارت را به کار برده است، اما این مفاهیم دارای درجه‌بندی نبوده و به نحوی روشن قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. به این ترتیب، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در حقوق ایران که به ترتیب به فعل و ترک فعلی که مغایر انتظارات جامعه از یک فرد متعارف باشد تعریف می‌شوند، معادل بی‌پروایی و سهل‌انگاری حقوق کامن‌لا نیستند.

در مقایسه با چهار درجه جرم‌بدرفتاری کیفری واشنگتن، جنایات مادون نفس در سه دسته عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض جای می‌گیرند. در صورتی که مراقب با قصد یا علم به ایراد جنایت به سالمند وظیفه خود را ترک کرده باشد، جنایت عمدی است. اگر این ترک فعل مصادقی از تقصیر تلقی شود، جنایت شبه‌عمدی است. سایر مواردی هم که غفلت از سالمندان نه با قصد و نه تقصیر ارتکاب یافته باشد، خطای محض محسوب می‌شوند. به این ترتیب، در حالی که حمایت کیفری واشنگتن از سالمندان دست‌کم منوط به سهل‌انگاری مراقب در انجام وظایف ناشی از مراقبت است، در حقوق ایران، مراقب حتی در فرضی هم که هیچ تقصیری مرتکب نشده باشد، مسئول است (خطای محض). این رویکرد گرچه مصادیق بیشتری از غفلت از سالمندان را وارد دایره حمایت کیفری می‌کند، با وجود این نسبت به مراقبی که وظیفه دشوار مراقبت از یک سالمند ناتوان را برعهده دارد، بیش از حد سختگیرانه است. این در حالی است که یکی از راهبردهای پیشگیری از بزه‌دیدگی سالمندان، برنامه‌های حمایت از مراقبان و کاهش بار مراقبتی است؛ چرا که حمایت از مراقبان به طور غیرمستقیم، امنیت و رفاه بیشتر برای سالمندان را در پی دارد. مجازات‌های اصلی جرم‌بدرفتاری کیفری عبارتند از حبس یا جزای نقدی یا هر دو. میزان جزای نقدی و مدت حبس نیز بر اساس درجه جرم به این ترتیب تعیین می‌شود:

درجه جرم	طبقه‌بندی	مجازات‌های اصلی	مستند قانونی (RCW)
بدرفتاری کیفری درجه اول	جنایت طبقه ۱B	حبس تا ۱۰ سال و/یا جزای نقدی تا ۲۰۰۰۰۰ دلار	9A.42.020
بدرفتاری کیفری درجه دوم	جنایت طبقه ۲C	حبس تا ۵ سال و/یا جزای نقدی تا ۱۰۰۰۰۰ دلار	9A.42.030
بدرفتاری کیفری درجه سوم	جنحه شدید <sup>۳</sup>	حبس تا ۳۶۴ روز و/یا جزای نقدی تا ۵۰۰۰۰ دلار	9A.42.035
بدرفتاری کیفری درجه چهارم	جنحه <sup>۴</sup>	حبس تا ۹۰ روز و/یا جزای نقدی تا ۱۰۰۰۰ دلار	9A.42.037

تعیین حداقل میزان جزای نقدی در اختیار قاضی است و حداقل مدت حبس نیز بر اساس معیارهای مشخص شده در اصول راهنمای تعیین کیفر ایالت واشنگتن مشخص می‌شود. به عنوان مثال، در بدرفتاری کیفری درجه اول مدت حبس مرتکب بین ۵۱ تا ۱۲۰ ماه متغیر است. به این ترتیب که پس از محاسبه رتبه مرتکب بر اساس معیارهایی مانند میزان سوابق کیفری و نیز کیفیت ارتکاب جرم، میزان حبس او ذیل یکی از گروه‌های هفت‌گانه مشخص شده قرار می‌گیرد: ۵۱ تا ۶۸ ماه، ۵۷ تا ۷۵ ماه، ۶۲ تا ۸۲ ماه و ۶۷ تا ۸۹ ماه، ۷۲ تا ۹۶ ماه، ۷۷ تا ۱۰۲ ماه، ۹۸ تا ۱۲۰ ماه و ۱۲۰ ماه (RCW 9A.20.021(b) & Washington State Adult Sentencing Guidelines Manual, 2022: p.299).

در بعضی جرائم از جمله جرائم علیه اشخاص که بدرفتاری کیفری درجه اول و دوم را هم شامل می‌شود، دادگاه «باید» علاوه بر سایر مجازات‌ها، حداکثر تا یک سال حکم به مراقبت جامعه‌ی<sup>۵</sup> بدهد (RCW 9.94A.701(3)). در بدرفتاری کیفری درجه سوم و چهارم نیز قاضی

<sup>1</sup> class B felony

<sup>2</sup> class C felony

<sup>3</sup> gross misdemeanor

<sup>4</sup> misdemeanor

<sup>5</sup> community custody

تحت شرایطی این «اختیار» را دارد (RCW 9.94A.702). بر این اساس، بزهکاران تا مدت مشخصی پس از خروج از زندان تحت نظارت اداره زندان‌ها قرار می‌گیرند (RCW 9.94A.704). مراقبت جامعه‌ی مجموعه جهاتی را در بر می‌گیرد که قاضی الزاماً یا بنا بر اختیار، آنها را مورد حکم قرار می‌دهد. جهات اجباری شامل مواردی مانند الزام مرتکب به گزارش دهی به اداره زندان‌ها در مورد اقدامات اصلاحی مقرر توسط دادگاه یا الزام او به تبعیت از شرایطی است که توسط دادگاه تعیین می‌شود. جهات اختیاری نیز مواردی مانند شرکت در فعالیت‌های بازپرورانه متناسب با اوضاع و احوال ارتکاب جرم، میزان احتمال تکرار جرم توسط مرتکب و ملاحظات مربوط به رفاه جامعه یا ممنوعیت از ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با بزه‌دیده را در بر می‌گیرد (RCW 9.94A.703). مرتکبی که هر یک از جهات مراقبت جامعه‌ی مقرر شده را نقض کند نیز با ضمانت اجرای کیفری (تا ۶۰ روز حبس توسط دادگاه یا تا ۳۰ روز حبس توسط اداره زندان‌ها به ازای هر نقض) یا مجازات‌های جامعه‌محور (مانند شرکت در جلسات آموزشی- مشاوره‌ای، بازداشت خانگی تحت نظارت الکترونیکی یا الزام به انجام خدمات اجتماعی) مواجه می‌شود (RCW 9.94A.633).

در صورت محکومیت متهم به جرم‌هایی که منجر به آسیب شخص، خسارت یا از دست دادن اموال شده است، دادگاه باید حکم به جبران خسارت نیز بدهد، مگر در شرایط استثنایی که تشخیص بدهد جبران خسارت مناسب نیست و این شرایط را در پرونده ذکر کند (RCW 9.94A.753(5)). **جبران خسارتی** که براساس حکم دادگاه به موجب محکومیت کیفری صادر می‌شود، باید بر اساس (۱) خسارت قابل احراز و آشکار ناشی از تخریب یا از دست دادن اموال، (۲) هزینه‌های واقعی درمان آسیب‌های وارده به افراد و (۳) دستمزدهای از دست رفته به دلیل آسیب باشد. این جبران خسارت شامل ناراحتی‌های ذهنی، درد و رنج یا دیگر ضررهای غیرملموس نمی‌شود، ولی می‌تواند هزینه‌های مشاوره‌ای که به نحوی معقول مرتبط با جرم است را در بر گیرد. مقدار جبران خسارت نباید از دو برابر عایدی مرتکب یا خسارت بزه‌دیده از جرم بیشتر شود (RCW 9.94A.753(3)(a)).

به این ترتیب، مرتکب غفلت از سالمندان در ایالت واشنگتن ممکن است به حبس و/یا جزای نقدی و جبران خسارت بزه‌دیده محکوم شود. در حقوق ایران اما چنین شخصی،

حسب مورد به قصاص یا در غیر این صورت، دیه و/یا حبس تعزیری محکوم می‌شود. مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی‌علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص است و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد (ماده ۳۸۶ ق.م.ا). به این ترتیب، حقوق ایران در شدیدترین مصداق این جرم، از مجازات‌های مالی و سالب آزادی عبور کرده و به مجازات بدنی حکم می‌دهد؛ در حالی که در حقوق واشنگتن، درجات مختلف بدرفتاری کیفری از حیث نوع مجازات یکسان هستند و شدت جرم از طریق میزان مجازات نمایان می‌شود.

در موارد ثبوت حق قصاص، تبدیل آن به دیه مطابق ماده ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، منوط به مصالحه با مرتکب و رضایت اوست و طرفین می‌توانند به جایگزینی قصاص با هر میزان وجه‌المصالحه یا هر امر دیگری توافق کنند (ماده ۳۶۱ ق.م.ا). این در حالی است که مجازات‌های تعیین شده در ایالت واشنگتن قابل گذشت نیستند و از این رو، توافق طرفین در خصوص تغییر نوع مجازات موضوعیت ندارد.

مدت حبس در جنایات عمدی مادون نفس در صورتی که قصاص امکان نداشته باشد، ۶ ماه تا ۲ سال است (ماده ۶۱۴ ق.م.ا ۱۳۷۵). بنابراین در حقوق ایران، میزان حبس غفلت از سالمندان در شدیدترین حالت که مرتکب هم‌واجد بالاترین درجات عنصر روانی (عمد) است و هم رفتارش منتهی به آسیب بزه‌دیده (نقصان، شکستن، از کار افتادن عضوی از اعضا، مرض دائمی، فقدان یا نقص یکی از حواس، منافع یا زوال عقل) و اختلال در نظم و امنیت جامعه شده است، حداکثر دو سال است. همچنین با توجه به عبارت «عمداً» به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد مندرج در ماده ۶۱۴، در جنایات غیرعمدی مادون نفس امکان تعیین حبس تعزیری وجود ندارد. این در حالی است که مرتکب جرم بدرفتاری کیفری در ایالت واشنگتن با پایین‌ترین درجه از عنصر روانی (سهل‌انگاری) ممکن است با ۱۰ سال حبس روبرو شود. افزون بر این، در ایران تعیین مدت حبس در بازه قانونی مقرر شده برعهده قاضی است، در حالی که در ایالت واشنگتن مطابق اصول راهنمای تعیین کیفر، اختیارات قاضی در این خصوص محدود و نظام‌مند شده است.

مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، به یک یا چند مورد از مجازات‌های تکمیلی مندرج در این ماده نیز محکوم نماید. ماهیت مجازات‌های تکمیلی (مانند منع از اقامت در محل معین یا الزام به حرفه آموزی) مشابه نهاد مراقبت جامعه‌ی ایالت واشنگتن است. با این تفاوت که از یک سو، در واشنگتن دادگاه «باید» در خصوص بعضی جرائم مشخص شده در قانون، حکم به مراقبت جامعه‌ی صادر کند و از سوی دیگر، چنان که گفته شد برخی محورهای مشخص نیز الزاماً باید مورد حکم قرار گیرند. اما در حقوق ایران، قاضی در حکم به مجازات تکمیلی و تعیین نوع آن ضمن رعایت تناسب مخیر است. عدم رعایت مفاد حکم مجازات تکمیلی توسط مرتکب، در ایران نیز دارای ضمانت اجراست (ماده ۲۴ ق.م.ا).

در حقوق ایران، برای جنایات عمدی مادون نفس، بنا بر شرایطی، محرومیت از حقوق اجتماعی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، به عنوان مجازات تبعی پیش بینی شده است (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.م.ا). در واشنگتن نیز محرومیت از حقوق اجتماعی نسبت به مرتکبان برخی جرائم به صورت موردی مطرح شده است. برای مثال، مطابق بخش ۳ از ماده ۶ قانون اساسی ایالت واشنگتن، مرتکبین جرائم شدید (جنایات) از حق رأی محروم می‌شوند. با وجود این، پس از اتمام مجازات - و نه مدتی بعد از آن - این حق به آنها بازگردانده می‌شود (RCW 29A.08.520). مرتکبان جرائم علیه سالمندان در برخی دیگر از ایالت‌های آمریکا «در عمل» با گونه‌ای محرومیت از حقوق اجتماعی مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، «پایگاه داده سوءاستفاده از سالمندان و بزرگسالان نیازمند خدمات حمایتی ایالت آلاباما»<sup>۱</sup>، اطلاعات افرادی که به دلیل سوءاستفاده، غفلت یا بهره‌کشی از سالمندان یا بزرگسالان آسیب‌پذیر به مقامات گزارش شده اند را ثبت می‌کند. از این اطلاعات به منظور استخدام فرد، انجام تحقیقات قضایی، تعیین قیم یا نماینده، رفع سوء ظن پزشک در موارد

<sup>1</sup> Alabama Elder and Adult in Need of Protective Services Abuse Registry

مشکوک به سالمندآزاری، اطلاع یافتن نهادهای حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر و انتشار عمومی اطلاعات در مواردی خاص استفاده می‌شود (Alabama Code, § 38-9G-2).<sup>۱</sup> در ایالت واشنگتن، قطع دستگاه‌های حمایت‌حیاتی<sup>۲</sup> به‌عنوان استثنای جرم بدرفتاری کیفری مورد تصریح قرار گرفته است. هر فرد بالغی می‌تواند تصمیم بگیرد که در صورت ابتلا به بیماری لاعلاج یا بی‌هوشی دائمی، درمان‌های ضروری برای حفظ حیات او ادامه نیابند یا قطع شوند (RCW 70.122.030). در این صورت، هر ارائه‌دهنده خدمات درمانی که با حسن نیت در توقف یا قطع اقدامات درمانی مربوط به حفظ حیات یک بیمار واجد شرایط مشارکت کند، فاقد مسئولیت است، مگر اینکه مرتکب تقصیر شده باشد (RCW 70.122.051). به این ترتیب عدم انجام اقدامات درمانی که برای ادامه حیات شخص وابسته ضروری است به دنبال تصمیم خود فرد، نماینده یا مراقب قانونی او، بدرفتاری کیفری محسوب نمی‌شود (RCW 9A.42.040).

در ایران نیز، مطابق ماده ۱۸ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ۱۳۷۸، پزشک معالج مسئول ادامه درمان بیمار خود در حد توانایی و تخصص به استثنای موارد ضروری است، مگر این که بیمار یا بستگان او مایل نباشند. به این ترتیب، پزشک باید بنا به درخواست بیمار درمان را متوقف کند. اما در شرایطی که قطع درمان منجر به آسیب یا فوت بیمار می‌شود، ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص فروض مربوط به اتانازی از جمله اتانازی غیرفعال ملاک قرار می‌گیرد. مطابق این ماده در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می‌تواند «پس از وقوع جنایت و پیش از فوت» از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید. در این صورت،

<sup>۱</sup> در ایالت واشنگتن، مشابه این نهاد -ثبت و اطلاع‌رسانی (registration and notification)- تنها در خصوص برخی جرائم جنسی و آدم‌ربایی پیش‌بینی شده است (RCW 9A.44.140). بر این اساس، مجرمان جرائم جنسی و آدم‌ربایی، تحت شرایطی مکلف شده‌اند که در مدت معینی پس از آزادی یا محکومیت، به اداره پلیس محلی مراجعه و اطلاعات شخصی خود (نام، آدرس محل کار و سکونت، عکس و اثر انگشت و جرم ارتكابی) را ارائه دهند. ایالت واشنگتن در مواردی دسترسی عمومی به اطلاعات ثبت شده مجرمان جنسی از طریق این پایگاه داده آنلاین را نیز فراهم می‌کند.

<sup>۲</sup> Withdrawal of Life Support Systems

اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) محکوم می‌شود. بنابراین، در صورتی که بیمار پس از قطع دستگاه‌های حیاتی، رضایتش را اعلام و سپس فوت کند، پزشک از دیه یا قصاص معاف و تنها به مجازات تعزیری محکوم می‌شود. این درحالی است که مطابق قانون ایالت واشنگتن، اعلام رضایت در قالب تنظیم یک سند پیش از قطع اقدامات درمانی انجام می‌شود و پزشک را از هرگونه مسئولیتی مبری می‌کند.

## ۱-۲- غفلت منجر به دسترسی به مواد مخدر

«اجازه دسترسی اشخاص وابسته به مواد مخدر تحت کنترل»<sup>۱</sup> عنوان مجرمانه دیگری است که در قانون ایالت واشنگتن مورد اشاره قرار گرفته است. بنابر تعریف قانونی این جرم، در صورتی که شخصی با قصد یا علم اجازه دهد که شخص وابسته در معرض تماس، استنشاق یا مصرف مواد مخدر و روان‌گردان احصاشده در این قسمت قرار بگیرد، به حبس تا ۱۰ سال و/یا جزای نقدی تا ۲۰'۰۰۰ دلار محکوم می‌شود (RCM 9A.42.100).

علاوه بر کوتاهی مراقب در تأمین نیازهای سالمند که پیش‌تر توضیح داده شد، نوع دیگر غفلت، خودداری از رفع شرایط خطرناکی است که ممکن است توسط خود سالمند یا دیگران ایجاد شده باشد. در این قسمت از قانون واشنگتن، مراقب مکلف به محافظت از سالمند در برابر وضعیت مخاطره‌آمیز ناشی از مصرف مواد مخدر است. در این قسمت بر خلاف دو عنوان مجرمانه پیشین، بروتیفه مراقبت‌شخص مرتکب، اشاره نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد که بنا به تصریح قانون «هر شخصی» می‌تواند مرتکب این جرم شود.<sup>۲</sup> در حقوق ایران گرچه مطابق ماده ۳۵ الحاقی ۱۳۸۹ به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶، وادار کردن و ترغیب دیگری به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان جرم‌انگاری شده، اما این ماده قابل تسری به ترک فعل مرتکب نیست. به این ترتیب، عدم ممانعت از ارائه مواد مخدر به شخص تحت مراقبت و جلوگیری از مصرف مواد مخدر توسط او که در

<sup>1</sup> Endangerment with a Controlled Substance

<sup>۲</sup> البته در دعوی *People v. Heitzman* این گونه استدلال شد که عبارت «اجازه دهد (permit)» که سالمند در معرض خطر قرار بگیرد، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که شخص را در برابر اقدامات همه اشخاص مکلف به مراقبت از سالمند بداند. بلکه شخص مرتکب یا (۱) باید بر اساس قانون «مراقب» سالمند محسوب شود؛ یا (۲) به جهت وجود رابطه‌ای خاص کنترل و نظارت بر شخصی که با رفتارش سالمند را در معرض خطر قرار می‌دهد، بر عهده داشته باشد و با این وجود، از استمرار آن سوء رفتار جلوگیری نکند. اصل بر این است که هیچ کس وظیفه قانونی مبنی بر کنترل اعمال شخص دیگری را ندارد؛ اما وجود رابطه‌ای خاص در مواردی مشخص مانند رابطه بین والدین و فرزند صغیر، فرد را موظف می‌کند که از اعمال شخصی که منجر به آسیب یا رنج دیگری می‌شود، جلوگیری کند. یکی از مصادیق این روابط خاص مربوط به فرضی است که شخصی مسئولیت شخص ثالثی را بر عهده می‌گیرد در حالی که می‌داند یا باید بداند که اگر بر اعمال او نظارت و کنترل نداشته باشد، احتمال دارد به دیگران آسیب جسمی وارد کند (*People v. Heitzman*, 9 Cal. 4th 189, 1994).

قانون ایالت واشنگتن واجد ضمانت اجرای کیفری شدت یافته‌ای است، در ایران وصف مجرمانه ندارد.

### ۱-۳- رهاسازی و ترک سالمند

«رهاسازی اشخاص وابسته»<sup>۱</sup> که شدیدترین شکل غفلت محسوب می‌شود، در قانون واشنگتن به صورت مستقل و در سه درجه جرم‌انگاری شده است. رهاسازی به معنای ترک کودک یا سایر اشخاص وابسته به گونه‌ای است که آنها را بدون وسایل یا توانایی لازم برای تأمین یک یا چند مورد از نیازهای اساسی زندگی باقی بگذارد (RCW 9A.42.010(1)). در صورتی که ترک اشخاص وابسته، منجر به آسیب جسمانی شدید گردد، رهاسازی درجه اول محقق است. اگر این رفتار به آسیب جسمانی قابل توجه یا خطر قریب الوقوع و قابل توجه آسیب جسمانی شدید منجر شود، رهاسازی درجه دوم است. در رهاسازی درجه سوم نیز نتیجه، آسیب جسمانی یا خطر قریب الوقوع و قابل توجه وقوع آن است (RCW 9A.42.060, 070 & 080). شخص مرتکب مانند جرم بدرفتاری کیفری شخصی است که وظیفه تأمین نیازهای اساسی زندگی یک شخص وابسته یا مراقبت فیزیکی از او را بر عهده گرفته، یا شخصی است که به این منظور استخدام شده است. عنصر روانی لازم برای تحقق این جرم، بی‌پروایی<sup>۲</sup> است.

مجازات جرم رهاسازی اشخاص وابسته عبارت است از حبس یا جزای نقدی یا هر دو و به ترتیب مندرج در جدول ذیل تعیین می‌شود:

درجه جرم	طبقه‌بندی	مجازات‌های اصلی	مستند قانونی (RCW)
رهاسازی درجه اول	جنایت طبقه B	حبس تا ۱۰ سال و/یا جزای نقدی تا ۲۰۰۰۰۰ دلار	9A.42.060
رهاسازی درجه دوم	جنایت طبقه C	حبس تا ۵ سال و/یا جزای نقدی تا ۱۰۰۰۰۰ دلار	9A.42.070

<sup>1</sup> Abandonment of a Dependent Person

<sup>2</sup> recklessness

9A.42.080	حبس تا ۳۶۴ روز و/یا جزای نقدی تا ۵۰۰۰ دلار	جنگه شدید	رهاسازی درجه سوم
-----------	--------------------------------------------	-----------	------------------

در حقوق کیفری ایران نیز رها کردن شخصی که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد، جرم‌انگاری شده است. مطابق ماده ۶۳۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، هر گاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد، در محلی که خالی از سکنه است، رها نماید به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند، تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ازش نیز محکوم خواهد شد.

در رابطه با بزه‌دهیده مورد حمایت در این ماده، بر خلاف قانون ایالت واشنگتن که «شخص وابسته» را تعریف کرده است، تعریفی از «شخصی که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد» وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد که این اصطلاح در مفهومی مشابه شخص وابسته (دارای ناتوانی ذهنی/جسمی) به کار رفته و سالمندان را نیز در برمی‌گیرد. در رابطه با مرتکب جرم، در این ماده تصریحی در خصوص لزوم احراز وظیفه اقدام و مراقب محسوب شدن رهاکننده وجود ندارد. در حالی که در قانون ایالت واشنگتن، احراز وظیفه اقدام برای انتساب مسئولیت به مرتکب رهاسازی ضروری است. بر همین اساس، یکی از دفاعیات قابل پذیرش در برابر اتهام رهاسازی شخص وابسته در این ایالت، اشاره به اعلام پایان خدمات مراقبتی به شخص وابسته و سازمان‌های مشخص است، مشروط بر این که تا قبل از آن، شخص وظایف ناشی از مراقبت را ترک نکرده باشد (RCW 9A.42.090).

با وجود تأکید ماده بر مکان رهاسازی که ممکن است محلی خالی از سکنه یا آبادی باشد، نمی‌توان فروضی مانند «رهاکردن سالمند در خانه برای مدت طولانی» که مصداق بارز غفلت از سالمندان است را مشمول این ماده دانست. به عنوان نمونه، در یک پرونده، مرتکب که پدر بزرگ ناتوان خود را به همراه خود به جنگل برده و او را به مدت ۲۴ ساعت در آن جا رها کرده بود، مشمول ماده ۶۳۳ تشخیص داده شد (پیشینه رویه قضایی در

ایران، ۱۳۹۶: ص ۱۷۹). به نظر می‌رسد که هدف از جرم‌انگاری رهاسازی در ایالت واشنگتن، حمایت از سالمند در برابر طرد شدن از سوی مراقب بوده، اما در ایران، قرار نگرفتن این گروه آسیب‌پذیر در یک مکان مخاطره‌آمیز، هدف اصلی جرم‌انگاری بوده است. رهاسازی در ایران یک جرم عمدی است و مرتکب باید دارای عنصر روانی درجه اول و دوم (قصد یا علم) باشد، اما در واشنگتن، ترک سالمند با نادیده گرفتن خطرات احتمالی که در اثر این امر برای او ایجاد می‌شود (عنصر روانی درجه سوم)، برای تحقق جرم کافی است. به این ترتیب، رهاکردن سالمند از روی تقصیر در ایران مشمول ماده ۶۳۳ قرار نمی‌گیرد، در حالی که در ایالت واشنگتن، چنین رفتاری بر حسب شدت نتیجه حتی ممکن است رهاسازی درجه اول محسوب شود. در ایران، رهاسازی به صورت مطلق جرم‌انگاری شده و در فرض تحقق نتیجه بر اساس مواد عام راجع به جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص عمل می‌شود. اما در ایالت واشنگتن، این جرم مقید به وقوع آسیب جسمانی یا خطر وقوع آن است. این دو جرم از حیث مدت حبس نیز با یکدیگر تفاوت آشکاری دارند. به عنوان مثال، در فرضی که رهاکننده سالمند او را در معرض خطر آسیب جسمانی شدید قرار بدهد، در ایالت واشنگتن حداکثر به پنج سال حبس و در ایران حداکثر به یک سال حبس محکوم می‌شود.

## ۲- ترک فعل‌های خاص نسبت به سالمندان

در این بند، آن دسته از مصادیق سالمندآزاری از طریق غفلت مورد توجه قرار گرفته است که بدون نیاز به منتج شدن به نتیجه خاص و یا ایجاد خطر آن و صرفاً به منظور برانگیختن انگیزه حداکثر مراقبت نسبت به سالمندان، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. نگرش حمایتی نسبت به سالمندان، وظایفی را برای خویشاوندان آنها از یک سو و عموم شهروندان از سوی دیگر ایجاد می‌کند که قانون‌گذار کیفری نیز آنها را، در قالب جرم‌انگاری، مورد توجه قرار داده است.

### ۲-۱- عدم ایفای تکالیف خویشاوندی نسبت به سالمند

در مواردی که مرتکب غفلت و سالمند بزه‌دیده با یکدیگر رابطه خانوادگی دارند، ضمانت اجرای این جرم را می‌توان در قوانین مربوط به خانواده نیز یافت. جرم «عدم حمایت از خانواده»<sup>۱</sup> در فراز سی‌وپنجم فصل بیستم از عنوان بیست و ششم مجموعه قوانین تنقیح‌شده ایالت واشنگتن (با عنوان «اعراض یا عدم حمایت از خانواده»)<sup>۲</sup> بیان شده است. یکی از موارد ارتکاب این جرم عبارت است از این که شخص در حالی که توانایی حمایت یا به دست آوردن ابزارهای لازم برای حمایت را داراست، عمداً از فراهم کردن خوراک، پوشاک، سرپناه یا خدمات پزشکی ضروری برای همسر یا شریک عاطفی‌اش خودداری کند (RCW 26.20.035). به این ترتیب، فراهم نکردن نیازهای اساسی سالمند ناتوان در صورتی که بین بزه‌کار و بزه‌دیده رابطه زوجیت برقرار باشد، ذیل این ماده نیز قرار می‌گیرد.

قانون مدنی ایران در کتاب نهم با عنوان خانواده، تکلیف قانونی انفاق به خویشاوندان را با شرایطی پیش‌بینی کرده است. مستنبط از مواد ۱۱۰۷ و ۱۲۰۴ قانون مدنی، «نفقة» عبارت است از همه نیازهای متعارف از قبیل مسکن، پوشاک، خوراک، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و پرستار در صورت احتیاج. مطابق قانون مدنی از یک سو، تکلیف یک‌جانبه انفاق به زن بر عهده شوهر قرار گرفته است (ماده ۱۱۰۶ ق.م). از سوی دیگر، اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی (پدر بزرگ و مادر بزرگ، پدر و مادر) یا نزولی (فرزندان و نوه‌ها) ملزم به انفاق به یکدیگر شناخته شده‌اند (ماده ۱۱۹۶ ق.م). تأدیه نفقه اقارب مشروط به استطاعت منفق و مستحق نفقه بودن منفق‌الیه است. به عبارت دیگر، منفق در صورتی ملزم به دادن نفقه است که پس از پرداخت نفقه، خود دچار مضیقه نشود. شخصی نیز مستحق دریافت نفقه است که عرفاً دارایی کافی و امکان اشتغال به شغلی متناسب و متعارف به منظور امرار معاش نداشته باشد (مواد ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ ق.م). اما نفقه زوجه بر خلاف نفقه سایر اقارب مشروط به فقر انفاق‌شونده و تمکن شخص منفق نیست، زیرا در حقوق ایران نفقه زن تنها برای امرار معاش نیست، بلکه جزء آثار نکاح است

<sup>1</sup> Family Nonsupport

<sup>2</sup> Family Abandonment or Nonsupport

و بیشتر به طلب مالی شباهت دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: صص ۲۲۹ و ۳۳۴). ضمانت اجرای کیفری تکلیف به دادن نفقه در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ معین شده است. بر این اساس، هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد<sup>۱</sup> یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. به این ترتیب، در قانون ایران، در فرضی که شوهر نیازهای اساسی زن سالمند خود را تأمین نکند، همچنین در فرضی که فرزندان یا نوادگان بالغ در صورت تمکن مالی، نیازهای اساسی والدین یا اجداد ناتوان خود را تأمین نکنند، موضوع این ضمانت اجرای کیفری قرار می‌گیرند.

عدم حمایت از خانواده در ایالت واشنگتن و ترک انفاق در ایران هر دو به صورت مطلق جرم‌انگاری شده‌اند، به این معنا که احراز آسیب یا خطر وقوع آن برای اثبات جرم لازم نیست. با وجود این، در فرض وقوع آسیب، این مواد می‌توانند به عنوان مبنایی برای احراز وظیفه اقدام قانونی و به تبع آن انتساب مسئولیت جرم بدرفتاری کیفری در واشنگتن یا جنایت ناشی از ترک فعل در ایران باشند. در جرم عدم حمایت از خانواده، تکلیف به حمایت یک تکلیف دوطرفه بوده و منوط به توانایی مالی هر یک از طرفین است. اما در حقوق ایران، تأدیه نفقه زوجه تکلیفی یک‌جانبه و بر عهده شوهر بوده و استطاعت مالی شوهر نیز شرط نیست. چرا که در حقوق ایران روابط مالی زن و شوهر تنها بر پایه تعاون و همدلی استوار نیست. زن توانگر می‌تواند به عنوان طلبکار از شوهر خود نفقه بگیرد و هیچ‌گاه نیز الزامی به تأمین معاش او و کمک به هزینه اداره خانواده ندارد (همان: ص ۲۹۹). در حقوق ایران، تکلیف به حمایت مالی علاوه بر زوجه، نسبت به والدین و اجداد مسن نیز پیش‌بینی شده، اما در حقوق ایالت واشنگتن تکلیف قانونی مبنی بر حمایت از والدین سالمند بر عهده فرزندان بالغ قرار نگرفته است. با وجود این، حقوق ایالت واشنگتن از جهت قرار دادن

<sup>۱</sup> به این ترتیب، از نظر حقوقی، مستنبط از ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی استطاعت مالی زوج شرط تأدیه نفقه زوجه نیست و زوج معسر نیز مکلف به پرداخت نفقه زوجه است؛ اما از نظر کیفری، عدم استطاعت عذر موجهی است که مانع تحقق جرم ترک انفاق می‌شود. به عبارت دیگر، ضمانت اجرای حقوقی (الزام به انفاق و ایجاد حق طلاق برای زوجه) در فرض عدم تمکن زوج نیز مجری است. اما زوج مکلف به پرداخت نفقه در صورت اعسار، مشمول ضمانت اجرای کیفری مندرج در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده نمی‌شود.

تکلیف به حمایت بر عهده زن و نیز به رسمیت شناختن روابط عاطفی خارج از علقه زوجیت عام‌تر از حقوق ایران است که تکلیف به تأدیه نفقه را صرفاً بر عهده شوهر و محدود به عقد دائم (ماده ۱۱۰۶ ق.م) دانسته است. از حیث میزان مجازات، مرتکب جرم عدم حمایت از خانواده ممکن است حسب تشخیص دادگاه، به حبس تا ۳۶۴ روز یا جزای نقدی تا پنج هزار دلار یا هر دو مجازات محکوم شود (RCW 9A.20.021(2)). اما مجازات مرتکب جرم ترک انفاق، حبس بیش از سه ماه تا یک سال است (اصلاحی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹). در واشنگتن، فراهم نکردن نیازهای سالمند در چارچوب خارج از خانواده، مشمول عناوین مجرمانه دیگری مانند بدرفتاری کیفری است، اما در حقوق ایران در فرضی که مرتکب غفلت شخصی غیر از فرزند یا همسر باشد، به عنوان نمونه پرستار یا سایر مراقبان سالمند، این رفتار (عدم انجام وظیفه مراقبت از سالمند) به خودی خود (بدون تحقق نتیجه) در اغلب موارد فاقد وصف کیفری است.

## ۲-۲- عدم گزارش‌دهی بزه‌دیدگی سالمندان

عدم گزارش سالمندآزاری از جمله غفلت در ایالت واشنگتن دارای ضمانت اجرای کیفری است. با جرم‌انگاری این رفتار «غفلت از غفلت از سالمندان» نیز دارای ضمانت اجرای کیفری شده است. برخی افراد از جمله مددکاران اجتماعی، کارکنان مراکز خدمات اجتماعی، رفاهی، بهداشت روانی، مراقبت روزانه از بزرگسالان، مراقبت خانگی یا آسایشگاه و کادر درمان «مکلف» به گزارش‌دهی شده‌اند. سایر افراد نیز «می‌توانند» موارد مشکوک به سالمندآزاری را گزارش دهند (APS Reporting Laws, 2022: p.90). زمانی که دلایل موجهی برای باور به وقوع رهاسازی، سوءاستفاده، استثمار مالی یا غفلت از یک بزرگسال آسیب‌پذیر وجود داشته باشد، افرادی که مکلف به گزارش‌دهی شده‌اند باید فوراً این مورد را به اداره خدمات اجتماعی و سلامت اعلام کنند (RCW 74.34.035). قانون به منظور تشویق افراد به گزارش‌دهی، گزارشگران سالمندآزاری را در برابر مسئولیت ناشی از آن گزارش‌دهی مصون دانسته است. به این ترتیب، افرادی که با حسن نیت اقدام به گزارش‌دهی یا شهادت درباره سوءرفتار با یک بزرگسال آسیب‌پذیر می‌کنند، از مسئولیت ناشی از آن گزارش یا شهادت مصون هستند (RCW 74.34.050). شخص مکلف به گزارش‌دهی که عمداً این وظیفه را ترک می‌کند، به عنوان مرتکب جنحه شدید به حبس تا ۳۶۴ روز و/یا

جزای نقدی تا ۵'۰۰۰ دلار محکوم می‌شود. شخصی نیز که عمداً، از روی خصومت با دیگری یا با سوءنیت، گزارشی خلاف واقع از سوءرفتار او با یک بزرگسال آسیب‌پذیر ارائه می‌دهد، مرتکب جنحه شده و به حبس تا ۹۰ روز و/یا جزای نقدی تا ۱'۰۰۰ دلار محکوم می‌شود (RCW 74.34.053). در قوانین ایران، تکلیفی مبنی بر گزارش‌دهی سوءرفتار با سالمندان به طور خاص پیش‌بینی نشده است تا به تبع آن، ترک این وظیفه دارای ضمانت اجرایی کیفری باشد. با وجود این، یکی از مصادیق تکلیف «کمک به مصدومین»، گزارش‌دهی فوری به مراجع ذیصلاح است که به موجب ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی ۱۳۵۴ بر عهده همه اشخاص قرار گرفته است. به این ترتیب، در صورتی که سالمند در اثر سوءرفتار در معرض خطر جانی قرار گرفته باشد و شخص مشاهده‌کننده بتواند با اعلام فوری به مراجع صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود. به این ترتیب در ایران، به موجب قانون خودداری از کمک به مصدومین، وظیفه اقدام در برابر افراد در معرض خطر جانی به تمام اشخاص تسری داده شده و تفاوت بین اشخاص عادی دارای وظیفه اخلاقی و اشخاص دارای تکلیف قانونی در میزان مجازات نمایان شده است. به این ترتیب که مدت مجازات حبس دسته اول حداکثر یک سال است اما دسته دوم با حبس تا سه سال نیز قابل مجازات هستند. اما در قانون ایالت واشنگتن، وظیفه اخلاقی کمک به هم‌نوع به عنوان یک وظیفه اقدام قانونی و به تبع آن تحمیل مجازات به تارکین این وظیفه پیش‌بینی نشده است؛ بلکه به منظور تشویق افراد به گزارش‌دهی و کمک به اشخاص در معرض خطر، تحت شرایطی برای شخص یاری‌رسان دارای حسن‌نیت در برابر آسیب احتمالی که ممکن است در اثر عملش به شخص آسیب‌دیده وارد شود، مصونیت در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه، در بدرفتاری کیفری درجه سوم و چهارم اشخاصی که به طور داوطلبانه و بدون دریافت ما به ازای مالی به شخص وابسته کمک یا خدمتی ارائه می‌دهند، از شمول این ماده خارج شده‌اند (RCW 9A.42.030 & 037). به این ترتیب، قانون‌گذار برای تشویق افراد به قبول داوطلبانه مراقبت از سالمندان، تحت شرایطی (مانند خفیف بودن آسیب و عدم ارتکاب جرم دیگری علیه سالمند یا اموال او) برای ترک این وظیفه داوطلبانه ضمانت اجرایی کیفری تعیین نکرده

است. هدف از جرم‌انگاری کمک به مصدومین، حمایت از اشخاص «آسیب‌دیده» و در معرض خطر جانی بوده، در حالی که جرم‌انگاری عدم گزارش‌دهی سالمندآزاری به دنبال حمایت از اشخاص «آسیب‌پذیر» است. بر این اساس، وظیفه گزارش‌دهی مندرج در قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین مستلزم احراز یک فوریت پزشکی<sup>۱</sup> است، اما در جرم عدم گزارش‌دهی سالمندآزاری که هدف پیشگیری از رسیدن به این مرحله است، صرف احراز مورد غفلت یا رهاسازی قرار گرفتن سالمند کافی است.

---

<sup>۱</sup> مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی ۱۳۶۴، فوریت‌های پزشکی (اورژانس) به مواردی از اعمال پزشکی اطلاق می‌شود که بایستی بیماران را سریعاً مورد رسیدگی و درمان قرار داد و چنانچه اقدام فوری به عمل نیاید باعث خطرات جانی، نقص عضو، یا عوارض صعب‌العلاج و یا غیر قابل جبران خواهد شد. بر اساس ماده ۲ نیز فوریت‌های پزشکی شامل مسمومیت، سوختگی، سکنه قلبی و مغزی، اختلالات تنفسی و خفگی، بیماری‌های عفونی و خطرناک و موارد مشابه است.

## نتیجه‌گیری

ضمانت اجرای کیفری یکی از ابزارهایی است که جامعه به منظور اجبار یا تشویق افراد به پیروی از هنجارها به کار می‌گیرد. ایالت‌های مختلف آمریکا با بهره‌گیری از این ابزار، غفلت از سالمندان را به صورت افتراقی مورد توجه قرار داده‌اند. قوانین آمریکا از یک سو با توسعه حمایت کیفری به وضعیت پیش از وقوع آسیب، توجه به تأثیر روانی غفلت بر سالمندان، پیش‌بینی تکلیف مراقبت از سالمند در برابر سوءمصرف مواد مخدر و کافی دانستن درجات پایین عنصر روانی برای تحقق جرم در مقایسه با قوانین ایران حمایت جامع‌تری از سالمندان به عمل آورده‌اند. از سوی دیگر نیز با پیش‌بینی استثنائاتی مانند رفع مسئولیت از پزشکی که با رضایت سالمند بیمار، اقدامات درمانی را متوقف می‌کند و همچنین رفع مسئولیت از شخصی که به طور داوطلبانه وظیفه مراقبت از سالمند را بر عهده گرفته است، از سخت‌گیری بیش از حد نسبت به مراقبین خودداری کرده‌اند.

با در نظر گرفتن مجموع قوانینی که حمایت‌های کیفری در رابطه با سالمندان پیش‌بینی کرده‌اند، رویکرد حقوق ایران در این خصوص در برخی زمینه‌ها مانند پیش‌بینی تکلیف قانونی کمک به هم‌نوع نسبت به همه اشخاص، تحمیل مسئولیت بر مراقب مرتکب خطای محض و مسئولیت یک‌طرفه زوج به تأمین نیازهای زوجه، بیش از حد سختگیرانه است و در مقابل نیز با مقید به نتیجه و عمدی تعریف کردن غالب جرائم این حوزه، برای بسیاری از مصادیق غفلت از سالمندان ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نشده است. مقایسه میزان ضمانت اجرای کیفری این دو نظام حقوقی در مقابله با غفلت از سالمندان نیز نشان از نظام‌مندی، تناسب و در برخی موارد شدت بیشتر ضمانت اجرای کیفری نظام کیفری ایالت‌های مورد تحقیق در آمریکا در مقایسه با ایران دارد.

افتراقی‌سازی حمایت کیفری از گروه‌های آسیب‌پذیر در آمریکا با جرم‌انگاری جرائم علیه کودکان و کودک‌آزاری آغاز شد و به تدریج حمایت‌های مشابهی از سایر اشخاص وابسته مانند معلولان و سالمندان به عمل آمد. در ایران نیز به نظر می‌رسد تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ گام نخستین است که در این مسیر تقنینی برداشته شده است.

در ادامه این راه، توجه به دستاوردهای تقنینی سایر کشورها که حمایت جامعی از سالمندان در برابر انواع سوءرفتار به عمل آورده‌اند، ضروری و مفید خواهد بود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

- ۱- کتاب‌ها:
  - آقایی نیا، حسین (۱۳۹۹). حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات). تهران: نشر میزان.
  - برهانی، محسن و لطفعلی زاده، الهه (۱۴۰۱). تأملات شرحی بر قانون مجازات اسلامی (مشمول بر کتاب اول تا چهارم). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
  - عبداللهی، افشین (۱۳۹۶). پیشینه رویه قضایی در ایران در ارتباط با قانون مجازات اسلامی (جلد پنجم)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
  - کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره حقوق مدنی خانواده (جلد دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
  - میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۳). حقوق جزای اختصاصی (۳) جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. تهران: نشر میزان.
- ۲- مقاله:
  - مولایی، مازیار؛ اعتماد، کورش و طاهری تنجانی، پریسا (۱۳۹۶). بررسی میزان شیوع سوء رفتار با سالمندان در ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ با استفاده از مرور سازمان یافته و متاآنالیز. سالمند: مجله سالمندی ایران ۱۲ (۲): ۲۵۳-۲۴۲.
- ۳- سایت:
  - مرکز آمار ایران، آمارهای جمعیتی و اجتماعی << جمعیت و مهاجرت >> جمعیت، تحولات جمعیت سالمند ایران در یک قرن (جمعیت ۶۰ و ۶۵ ساله و بیشتر). به آدرس:  
<https://amar.org.ir/statistical-information/statid/27728>
- ۴- اسناد و قوانین:
  - سند ملی سالمندان کشور نهایی شده ۱۳۹۹.
  - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و کتاب پنجم (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.
  - قانون مدنی، کتاب دوم، مصوب ۱۳۱۳.
  - قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.
  - قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴.
  - قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

- آیین نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی ۱۳۵۴ مصوب ۱۳۶۴.

- آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۷۸.

### ب) انگلیسی

#### 1- Book:

- National Research Council. (2003). *Elder Mistreatment: Abuse, Neglect, and Exploitation in an Aging America*. Washington, DC : The National Academies Press.

#### 2- Articles:

- Akagunduz, B., Alt n, Z., Atc , M. M., Ozer, M., Gü ven, D. C., Çil, İ., ... & Arslan, Y. (2021). Assessment of abuse and related factors in older patients with cancer. Supportive care in cancer, 29(12), 7957-7964.
- Blowers, A. N. (2015). Elders and the criminal justice system. *Journal of Crime and Justice*, 38(1), 1-8.
- Dion, S., Gogia, K., Elman, A., Clark, S., Ulrey, P., Connolly, M. T., ... & Rosen, T. (2020). Developing a rigorous, systematic methodology to identify and categorize elder mistreatment in criminal justice data. *Journal of elder abuse & neglect*, 32(1), 27-45.
- Fulmer, T., Paveza, G., VandeWeerd, C., Fairchild, S., Guadagno, L., Bolton-Blatt, M., & Norman, R. (2005). Dyadic vulnerability and risk profiling for elder neglect. *The Gerontologist*, 45(4), 525-534.
- Heisler, C. J. (2000). Elder abuse and the criminal justice system : New awareness, new responses. *Generations: Journal of the American Society on Aging*, 24(2), 52-58.
- Pampolim, G., & Leite, F. M. C. (2020). Neglect and psychological abuse of older adults in a Brazilian state : analysis of reports between 2011 and 2018. *Revista Brasileira de Geriatria e Gerontologia*, 23(06), e190272.
- Payne, B. K., Blowers, A., & Jarvis, D. B. (2012). The neglect of elder neglect as a white-collar crime : Distinguishing patient neglect from physical abuse and the criminal justice system's response. *Justice Quarterly*, 29(3), 448-468.
- Stodolska, A., Parnicka, A., Tobiasz-Adamczyk, B., & Grodzicki, T. (2024). Defining Elder Neglect-a New Proposal Towards Uniformity. *Ageing International*, 1-42.

- Strasser, S. M., & Fulmer, T. (2007). The clinical presentation of elder neglect: what we know and what we can do. *Journal of the American Psychiatric Nurses Association*, 12(6), 340-349.
- Stuijbergen, M. C., & Van Delden, J. J. (2011). Filial obligations to elderly parents: a duty to care?. *Medicine, Health Care and Philosophy*, 14, 63-71.
- Storey, J. E. (2020). Risk factors for elder abuse and neglect: A review of the literature. *Aggression and violent behavior*, 50, 101339.
- Winterstein, T. B. (2012). Nurses' experiences of the encounter with elder neglect. *Journal of Nursing Scholarship*, 44(1), 55-62.
- Wigglesworth, A., Mosqueda, L., Mulnard, R., Liao, S., Gibbs, L., & Fitzgerald, W. (2010). Screening for abuse and neglect of people with dementia. *Journal of the American Geriatrics Society*, 58(3), 493-500.
- Yon, Y., Mikton, C. R., Gassoumis, Z. D., & Wilber, K. H. (2017). Elder abuse prevalence in community settings: a systematic review and meta-analysis. *The Lancet Global Health*, 5(2), e147-e156.

### 3- Websites:

- Acierno, R., Hernandez-Tejada, M., Muzzy, W., & Steve, K. (2009). The National Elder Mistreatment Study (Final Report, Document No. 226456). U.S. Department of Justice, National Institute of Justice.  
<https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/grants/226456.pdf>
- American Bar Association Commission on Law and Aging. (2022). Adult protective services reporting laws (April 2022)  
[https://www.americanbar.org/groups/law\\_aging/resources/elder\\_abuse/](https://www.americanbar.org/groups/law_aging/resources/elder_abuse/)
- European Commission. (n.d.). Disability statistics – Elderly needs for help or assistance. Eurostat: Statistics explained. Retrieved December 20, 2024,  
[https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Disability\\_statistics\\_-\\_elderly\\_needs\\_for\\_help\\_or\\_assistance](https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Disability_statistics_-_elderly_needs_for_help_or_assistance)
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2020, October). Population facts: Government policies to address population ageing (No. 2020/1). United Nations.

[https://www.un.org/development/desa/pd/sites/www.un.org.development.desa.pd/files/undesd\\_pd\\_2020\\_pf\\_government\\_policies\\_population\\_ageing.pdf](https://www.un.org/development/desa/pd/sites/www.un.org.development.desa.pd/files/undesd_pd_2020_pf_government_policies_population_ageing.pdf)

**4- Laws, Cases and Documents:**

- Alabama criminal code.
- American Professional Society on the Abuse of Children. APSAC practice guidelines.
- California Penal Code § 368. Elder and dependent adult abuse.
- Elder Justice Act, 42 U.S.C. § 1397j. (2010).
- In re Vulnerable Adult Petition for Green, No. 36856-4-III, 2021 WL 413358 (Wash. Ct. App. Feb. 9, 2021).
- People v. Heitzman, 9 Cal. 4th 189. (1994). California Supreme Court.
- Revised Code of Washington.
- State v. Morgan, No. 71109-1-I, Court of Appeals of the State of Washington, Division One, March 2, 2015.
- Washington Pattern Jury Instructions : Civil 14.03.04. Outrage (Intentional Infliction of Emotional Distress).
- Washington State Caseload Forecast Council. (2022). *Washington State Adult Sentencing Guidelines Manual*.